

## دانشگاه و قیام

گزارشی از فعالیت دانشجویان و اساتید دانشگاه فردوسی مشهد در جنبش اعتراضی ژینا

## فهرست مطالب

### کنش‌های دانشجویی در طول قیام؛

تجمعات

تحصن‌ها

اعتصابات

کنش‌های اعتراضی

بیانیه‌ها

### حراست؛ در طول قیام و پس از آن؛

حراست و سرکوب اعتراضات دانشجویی

نقش حراست پس از سرکوب گسترده اعتراضات

### کمیته انضباطی؛

کمیته انضباطی؛ احکام صادره و احضارها

از مرحله احضار تا شورای بدوی و تجدیدنظر

### اساتید؛ کنش‌ها و سرکوب‌ها

## کنش‌های دانشجویی در طول قیام

جنبش دانشجویی، پس از کشته شدن ژینا امینی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ به طرق مختلف سعی کرد تا به این واقعه‌ی ظالمانه از جانب حکومت و سایر وقایع متعاقب آن که بر جامعه و بعداً بر خود دانشجویان و دانشگاه حادث شد، واکنش نشان دهد. در گزارش حاضر نیز سعی شده است تا بخش مکشوف آنچه در این میان بر دانشجویان، استاد و دانشگاه (فردوسی) گذشته است روایت گردد.

پس از شروع تجمعات اعتراضی در دانشگاه فردوسی، همچون سایر دانشگاه‌های ایران، سرکوب‌هایی نیز نصیب دانشجویان و اساتید این دانشگاه شده است. دست‌کم ۳۳ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی در جریان قیام ژینا بازداشت شده‌اند؛ اغلب دانشجویان با اتهاماتی از قبیل «اقدام علیه امنیت ملی» مواجه شده‌اند، و همچنین دانشجویان بازداشتی با وثیقه‌های سنگین (۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان) و یا قرار کفالت، آزادی موقت خود را تا موعد تشکیل دادگاه را به دست آورده‌اند. همچنین در کمیته‌ی انضباطی دانشگاه، برای نزدیک به ۱۰۰ نفر از دانشجویان در مقاطع مختلف حکم بدوی از یک ترم تا چند ترم تعلیق تحصیلی و برای ۳ تن از دانشجویان حکم بدوی اخراج صادر شده است؛ و حداقل به ۳ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، حکم تعلیقی آنان ابلاغ شده و در حال اجرا می‌باشد. همچنین در برهه‌ای برای تعداد نزدیک به ۳۰ نفر از دانشجویان، حکم ممنوع الوردی به دانشگاه صادر شد که حدود نیمی از این تعداد از دانشجویان خوابگاهی بوده‌اند و به همین جهت از خوابگاه نیز اخراج شدند. در این میان، اساتید حامی دانشجویان نیز از سرکوب مصون نماندند و ۱۲ تن از اساتید مدعوی دانشگاه فردوسی که در برهه‌هایی همراه و پشتیبان دانشجویان بودند، از جانب دانشگاه با آنان قطع همکاری صورت گرفت و در عمل اخراج شدند.

مشروح گزارش در ادامه ارائه خواهد شد.

(گزارش حاصل از ترکیب داده‌ها و روایت فعالین و منابع مورد اعتمادی همچون کانال شوراهای صنفی دانشجویان کشور و کانال توئیتر دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. یقیناً گزارش حاوی نواقص و کاستی‌هایی خواهد بود و لزوماً گزارش بیانگر کل حقایق واقعه نمی‌تواند باشد.)

## تجمعات

در پی جانباختن ژینا امینی در ۲۵م شهریور، از جانب جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بیانیه‌ای مبنی بر اعلام تحریم سراسری کلاس‌های درسی از تاریخ ۲۶م شهریور منتشر شد. از آن پس بود که دانشجویان، تشنه به بیان اعتراض خود، در پی ساماندهی اعتراضی در محیط دانشگاه بودند. اولین فراخوان تجمع از سوی جمعی از فعالین دانشجویی برای روز شنبه ۹ مهر، ساعت ۱۰ صبح با وعده‌گاه تجمع مقابل دانشکده‌ی مهندسی صادر می‌شود؛ که به سرعت فراخوان در فضای مجازی دست به دست گشت. همچنین ۸ مهرماه بیانیه‌ای دیگر از جانب دانشجویان مبنی بر درخواست تداوم تحریم کلاس‌های درس و پیوستن اساتید به این اعتصابات صادر می‌شود. لازم به ذکر است که تمامی دانشکده‌های دانشگاه فردوسی مشهد به شکل منسجم در داخل محوطه‌ای بزرگ با پنج ورودی در قسمت‌های شمالی، جنوبی، شرقی و غربی دانشگاه و در داخل شهر واقع شده‌اند.

۹ مهر؛ در اجابت فراخوان برای تجمع در این روز، جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ نفر در مقابل دانشکده‌ی مهندسی حاضر می‌شوند و ندا سر می‌دهند که «زندانی سیاسی، آزاد باید گردد» و «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد». با گذشت زمان همچنان بر شمار معترضین حاضر در تجمع افزوده می‌شود و بانگ بلند «آزادی، آزادی، آزادی»، دیگر دانشجویان را نیز به اقامه‌ی اعتراض پیوست می‌کند. حراست، بسیج و سایر نیروهای سرکوب در تمام این مدت مشغول فیلم‌برداری و تهیه‌ی تصویر از دانشجویان معترض بوده و بعداً مشخص می‌گردد که عده‌ای از بسیجیان گاه لیدری دانشجویان معترض را نیز به عهده گرفته‌اند. با افزایش شمار جمعیت و بالا رفتن تب اعتراض دانشجویان، یکی از فرماندهان بسیج دانشجویی بلندگو و میکروفونی را به جلوی جمعیت می‌آورد و خواهان صحبت دانشجویان از آن طریق می‌شود. دانشجویی میکروفون را از وی گرفته و شروع به سردادن شعار «زن، زندگی، آزادی» می‌کند و جمعیت بلندتر از بلندگو آن شعار را ادامه می‌دهند. از اینجا است که جمعیت هر نوع مصادره‌ی تجمع از جانب اشخاص را مانع می‌شود. جمعیت اکنون نزدیک به هزار نفری دانشجویان معترض، پس از توقف چند ساعته در مقابل دانشکده‌ی مهندسی و اعلام آغاز تجمعات اعتراضی در این دانشگاه، به سمت سایر دانشکده‌ها و نقاط استراتژیک دانشگاه حرکت می‌کند. بدین نحو است که تجمع، تبدیل به راهپیمایی و تظاهرات می‌شود. مقاصد بعدی دانشجویان برای توقف، در این روز که پایه‌گذار استراتژی سایر روزهای تجمع بوده، غالباً میدان علوم (فردوسی)، دانشکده‌ی علوم، دانشکده‌ی دندان پزشکی و پیراپزشکی و گاهاً بازگشت به میدان علوم و آغازگاه تجمع، یعنی دانشکده‌ی مهندسی بوده است (البته در روزهای پسین، دانشکده‌های ادبیات، علوم اداری و اقتصاد، حقوق، معماری و ستاد مرکزی دانشگاه نیز به توقف‌گاه‌های تجمع افزوده می‌شوند). یکی از مزیت‌های حرکت صف‌های معترضین در داخل محیط دانشگاه، پیوستن جمعیت و افراد جامانده به جهت عدم اطلاع از تجمع و یا به جهت حصر در نظر حراست، در مسیر حرکت به سایر معترضین است. با رسیدن و توقف در هر دانشکده نیز، همان افراد ذکر شده به صف معترضین می‌پیوندند. دانشجویان در طی حرکت به میدان علوم شعار سر می‌دهند

که «فکر نکنین امروزه، قرار ما هر روز»؛ بدین شکل فراخوان تجمعات بعدی از جانب کل حاضرین معترض سرداده می‌شود. یکی از نکات حائز اهمیت تجمع روز ۹ مهر که به وضوح مشاهده می‌شد، دست‌پاچگی و عدم آمادگی پیشین حراست و بسیجیان برای سرکوب تجمع و اعتراض بود. با وجود گردهم‌آمدن هردو بخش حراست و حفاظت فیزیکی دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد (این دو دانشگاه هرچند مستقل از هم، ولی در جوار یک‌دیگر بوده و بین دو دانشگاه حصار و دیواری وجود ندارد) در مقابل دانشجویان، توانایی کنترل مورد انتظار دانشجویان معترض را نداشتند. همچنین در اواخر اعتراضات بود که بسیجیان توانستند جمعیت خود را در قالب جمعی حدود ۵۰ نفری در مقابل دانشجویان معترض قرار دهند. جمعیتی که با پشتوانه‌ی مسئولین دانشگاه، با بلندگو در مقابل معترضین «حیدر، حیدر» می‌گفتند و دائماً نفراتی از آنان با حمله به صفوف معترضین، در پی ایجاد تنش و تشنج بودند. تجمع و تظاهرات از ساعت ۱۰ صبح تا پس از ساعت ۳ بعداز ظهر ادامه می‌یابد. پس از تجمع این روز، از جانب نهادهای امنیتی اطلاعاتی با تعدادی از فعالین دانشجویی باسابقه‌ی دانشگاه تماس گرفته می‌شود و چندی از آنان در روزهای آتی در میان جمعیت دیده نمی‌شوند.

۱۰ مهر؛ این روز با تفاوتی چشمگیر شروع می‌شود. یگان‌های ویژه و نیروهای امنیتی با تعداد بسیار زیاد، در مقابل تمامی ورودی/خروجی‌های دانشگاه فردوسی حاضر هستند و جو سنگینی دور تا دور دانشگاه فردوسی مشهد را محاصره کرده است؛ وضعیتی که تا روزها ادامه یافت. همچنین، جمعیتی بالغ بر ۴۰۰ نفر بسیجی در موعدها آغاز تجمع دانشجویان پیش از خود دانشجویان معترض حاضر بوده و با پرچم و بلندگو آن محل را قرق کرده بودند. به همین جهت دانشجویان تصمیم بر تغییر محل اولیه‌ی تجمع خود گرفته و در میدان علوم دانشگاه گرد هم می‌آیند. بسیجیانی که با اتوبوس‌های خط واحد و برای سرکوب معترضین دانشجویان از جانب مسئولین دانشگاه و نهادهای همکار امنیتی‌شان به دانشگاه دعوت شده بودند، با اطلاع از محل جدید تجمع دانشجویان، سیل چماق داران خود را به میدان علوم گسیل می‌کنند و جمعیت معترضین را دور تا دور میدان علوم محاصره می‌کنند. در این میان بر اثر فشار و تحدید فضای موجود برای دانشجویان حاضر در میدان، بسیاری از دانشجویان بدحال گشته و برخی بر اثر برخورد پرچم «الله» نشان معترضین، دچار جراحت و کوفتگی می‌شوند. سرانجام جمعیت که لحظه‌ای از فریاد و شعار نایستاده است، با دخالت حراست معبری برایش باز می‌شود تا از محاصره‌ی بسیجیان خارج شده و به تظاهرات خود را آغاز کند. حادثه‌ی محاصره توسط بسیجیان را باری دیگر دانشجویان در مقابل دانشکده‌ی پزشکی تجربه می‌کنند. دانشجویان با اتحاد و هم‌صدایی خویش همه‌ی این وقت‌ها ترس را به جان سرکوب‌گران انداخته و خود بدون هراس شعارهای خود را سر می‌دهند و گاهی مزدوران را این چنین به استهزا گرفته که شعار داده می‌شود «بسیجی، ساندریس رو بردار و برو». هنگامی که جمعیتی بالغ بر ۳ هزار نفر از دانشجویان در خیابان‌های دانشگاه فردوسی مشغول به تظاهرات بوده و شعار می‌دادند «می‌کشم، می‌کشم، هرآنکه خواهرم کشت» و «زن، زندگی، آزادی»، حقاً سرکوب‌گران به ترس آمده و خود را نیز همچون دیوار اقتدارشان لرزان می‌دیدند. اتفاقی که

تمامی دانشجویان دانشگاه فردوسی را متحیر کرد اما در روایات پیشین نبود؛ بلکه اقامه‌ی نماز ظهر بود، هنگامی که یکی از نمایندگان نهاد رهبری در دانشگاه فتوای اقامه‌ی نماز دور میدان فردوسی را داد. به سرعت موکت و فرش‌هایی به وسیله‌ی اتوموبیل‌های باری به میدان علوم آمده و میدان فرش شد. بسیجیان با آب کدر حوض‌های میدان فردوسی وضو گرفته و نماز جماعت خواندند. این عمل بسیجیان در حالی رخ داده است که دانشگاه فردوسی دارای دو مسجد می‌باشد که هزینه‌های صرف شده برای ساخت آنان پیشتر اعتراضاتی را در دانشگاه برانگیخته بود. بعد از نماز و پیش از شروع سرکوب دوباره از جانب بسیجیان، غذاهای آماده به جمعیت پرشمار بسیجیان تحویل داده می‌شود. در همان دانشگاهی که غذای ترم تابستان را به بهانه‌ی عدم تخصیص بودجه برای آن به دانشجویان ارائه نمی‌کنند. اما در حین نماز در صحرای میدان علوم دانشگاه فردوسی مشهد، دانشجویان معترض به احترام نماز، بدون شعار و با سکوت از کناره‌ی میدان به محل بعدی تجمع خود، یعنی دانشکده‌ی مهندسی می‌روند. در زمان توقف در دانشکده‌ی مهندسی، بارها پهبادی بر بالای جمعیت رد می‌شود؛ همچنین هلی‌شاتی بر بالای سر دانشجویان در حال پرواز بوده است. با حرکت جمعیت به مقصد بعدی، بسیجیان دوباره با تشکیل صف‌هایی تمامی مسیرهای پیشروی دانشجویان را سد می‌کنند و ساعت‌ها دانشجویان در این حالت باقی می‌مانند. یکی از بسیجیان، بسیجی‌ای دیگر را بردوش دارد که میکروفون در دست مشغول تلاوت سخنانی گاه خطاب به معترضین و گاه خطاب به بسیجیان است. صدای وی از بلندگو را شاید تنها صف نخست جبهه‌ی معترضین شنیده باشند؛ چراکه فریاد معترضین بلندتر از هر بلندگویی بود. در این روز، معاونین دانشگاه در میان جمعیت ظاهر می‌شوند و با راه‌اندازی تریبون، دانشجویان را به تریبون آزاد فرامی‌خوانند. اما در این لحظه است که دانشجویان بیان می‌دارند که «تریبون ما خیابان است»؛ سپس غالب جمعیت از مسیر پشتی برمی‌گردند و به راه خود ادامه می‌دهند. با شنیدن صدای بسیجیان از تریبون، تعدادی از دانشجویان ترغیب به رفتن به پشت تریبون آزاد می‌شوند و در محل می‌مانند. شرط بیان خطابه از تریبون، ارائه‌ی کارت دانشجویی تعیین می‌شود که به همین طریق تعدادی از فعالین دانشجویی شناسایی می‌شوند. خطابه‌هایی بیان می‌شود و معاونت اعلام می‌کند برای فردای آن روز، یعنی ۱۱م مهر، در سالن اجتماعات دانشکده‌ی علوم تریبون آزاد برقرار خواهد بود. در این روز نیز جمعیت از ساعت ۱۰ صبح تا پس از ساعت ۳ بعد از ظهر تجمع و تظاهرات برقرار بود.

۱۱ مهر؛ حوادث پیش آمده برای دانشجویان دانشگاه شریف در روز ۱۰ مهر و بامداد ۱۱ مهر، خشم دانشجویان دانشگاه فردوسی را افزون کرده و موجب حمایت دانشجویان فردوسی از دانشجویان شریف و آمدن شریفیان به میان شعارهای معترضین می‌شود. دانشجویان شعار می‌دادند «دانشجوی زندانی، آزاد باید گردد»، «شریف شده بازداشتگاه، اوین شده دانشگاه»، «شریفیا رو کشتین، به ما میگین ساکت شین» و «شریف شده غرق خون، استادامون خفه خون». این روز با تحریم تریبون آزاد وعده داده شده از جانب مسئولین دانشگاه در سالن اجتماعات دانشکده‌ی علوم آغاز می‌گردد. آنان بیان می‌کنند که تریبون ما تنها در خیابان و در اتحاد و اجتماع ما دانشجویان

در دانشگاه است. همچنین یکی از اساتید دانشگاه فردوسی فراخوانی را برای این روز منتشر کرده بود. فراخوانی جهت تحصن سکوت در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه، که محل صندلی‌های مسئولین دانشگاه است. دانشگاه اما این تحصن و این تجمع را نیز غیر قانونی اعلام می‌کند و حتی به استاد فراخوان دهنده نیز اجازه‌ی حضور در محل را نمی‌دهد. اما جالب آن است که بسیجیان قبل از موعد مقرر برای تجمع و تحصن سکوت در آن محل حاضر شده و محل را تصرف می‌کنند. بسیجیان با تصرف محل در این روز نیز مانع از حضور دانشجویان می‌شوند و در مقابل دانشجویان معترض صف‌هایی را تشکیل داده و موجب حصر دانشجویان در محل می‌شوند. با اذان ظهر، فضای جلو ستاد مرکزی نیز فرش می‌شود و نماز جماعت بسیجیان در آن محل نیز اقامه می‌شود. اما این بار عده‌ای از بسیجیان، وظیفه‌ی سرکوب نمازگزاران را نیز به دوش کشیده و به سرکوب معترضین ادامه می‌دهند. بعداً توسط یکی از مسئولین دانشگاه بلندگو و میکروفون دوباره احضار می‌شود و در لابه‌لای تهدید دانشجویان با غیر قانونی خواندن تجمع و احکام انضباطی در انتظار آنان، از دانشجویان خواسته می‌شود که میکروفون را دریافت کرده و صحبت کنند. یکی از دانشجویان با دریافت میکروفون شعار «زن، زندگی، آزادی» سر داده و از جمعیت می‌خواهد تا متمم «مرد، میهن، آبادی» را از شعارهای خود حذف کنند و «لازم نیست که در این محل بمانیم و می‌توانیم به مسیر خود ادامه دهیم». با این سخنان جمعیت با سعی خود راهی را باز کرده و از محل عبور کرده و به تجمع و راهپیمایی خود در سطح دانشگاه و سردادن شعارهای خود ادامه می‌دهد.

۱۲ مهر؛ چهارمین روز تجمعات اعتراضی در دانشگاه فردوسی، همچون روزهای پیشین با جمعیت چند هزار نفری برگزار گشته و در نقاطی توقف و سپس راهپیمایی به سمت نقطه‌ی توقف بعدی انجام می‌شود. در توقف مقابل دانشکده‌ها شاهد آن بودیم که حراست درهای دانشکده را می‌بست، به نوعی که از ملحق شدن دانشجویان داخل دانشکده به صف اجتماع معترضین مانع شود؛ گاهی دانشجویان به همین جهت مجبور می‌شدند که برای پیوستن به جمعیت، از پنجره‌ی کلاس‌ها خارج شوند. همچنین در گذر جمعیت از مقابل خوابگاه دختران، حراست درهای خروج از خوابگاه را بسته و اجازه‌ی عبور را به دختران نمی‌داد؛ که ابتدا چند تن از دختران به سختی و با وجود خطر، از بالای نرده‌های در بسته شده از خوابگاه خارج شدند و سپس با اعتراض و اتحاد دانشجویان بر خواست باز نمودن در خوابگاه، حراست مجبور به باز نمودن در شده و دانشجویان به صف معترضین هم صنف خود پیوستند. اولین شعار انقلابی دانشجویان که خود حاوی واژه‌ی «انقلاب» بود در این روز در مقابل دانشکده‌ی علوم سر داده شد؛ دانشجویان فریاد سردادند که «این دیگه اعتراض نیست، شروع انقلابه»؛ همچنین شعار داده شد که «اینه شعار مردم، رفراندوم، رفراندوم». دانشجویان در این روز به احترام شهدای قیام و دانشجویان شریف و شهدای زاهدان، چند دقیقه سکوت کردند. حراست و دانشگاه اما، حتی از این سکوت نیز می‌ترسید؛ در همین حین با دانشجویانی از سوی «شماره‌ی ناشناس» که آنسوی خط ماموران امنیتی بودند، تماس گرفته می‌شد. در این روز بود که خبر بازداشت ۳ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی به دست دانشجویان رسید.

۱۶ و ۱۷ مهر؛ پس از برگزاری تجمعات دانشجویی در هفته‌ی پیشین که برای ۴ روز متوالی به طول انجامیده بود، دانشگاه با دو روز تعطیلی رسمی و یک میان تعطیلی مواجه می‌شود. این سه روز فرصت آن را برای دانشگاه و نهادهای امنیتی فراهم آورد تا خود را بهتر سامان بخشیده و در این میان تهدیدات و سرکوب‌های خود را با شدتی بیشتر و دور از دید اعمال کنند. در فاصله‌ی روز ۱۲ مهر تا ۱۶ مهر، بیش از ۱۰ تن از دانشجویان بازداشت می‌شوند؛ برای اکثر دانشجویان دانشگاه (حتی برای آنان که در تجمعات حاضر نبودند) پیامک‌هایی تهدید آمیز از جانب حراست و کمیته‌ی انضباطی دانشگاه ارسال می‌شود. تعداد بسیار زیادی از دانشجویان نیز به کمیته‌ی انضباطی احضار می‌شوند؛ به طوری که برای ورود به کمیته دانشجویان در صف و نوبت قرار می‌گیرند. همچنین مدیران حراست به اتاق‌های دانشجویان معترض شناسایی شده رفته و آنان را از حضور در تجمعات آتی منع کرده و آن‌ها را تهدید می‌کنند. یکی از دانشجویان چنین روایت می‌کند که «ساعت ۱۱ قبل از ظهر بود که یک نفر در زد و دو نفر وارد اتاق شدند، یکی از آنان خود را نماینده‌ی اطلاعات در حراست و دیگری خود را نماینده‌ی نهاد رهبری در حراست معرفی کرد». بازنمایی چنین فضایی، و در امان نبودن دانشجویان حتی در اتاق خود و محل اسکان و استراحت‌شان، به وضوح نشان‌دهنده‌ی عدم امنیت آنان است. با این اتفاقات دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد وارد هفته‌ی دوم اعتراضات خود می‌شوند. هفته‌ای که هرچند اعتراضات با شدت کمتر دنبال شد، اما همچنان دانشجویان در صحن دانشگاه بودند.

۲۴ مهر؛ پس از افزایش تعداد بازداشتیان دانشگاه فردوسی مشهد و افزایش سرکوب‌ها در داخل و خارج از دانشگاه، در این روز دانشجویان باری دیگر اقدام به تجمع اعتراضی در دانشگاه می‌کنند. نکته‌ی قابل توجه که به وضوح در سطح دانشگاه مشاهده می‌شد، نیروهای جدید حراستی بودند که با ماسک بر چهره و بدون بچ شناسایی بر سینه در سطح دانشگاه مستقر شده بودند. آنان در سراسر محیط دانشگاه جو رعب‌آوری را ایجاد کرده و از هر که می‌خواستند درخواست کارت دانشجویی می‌کردند و از مشخصات وی عکس‌برداری کرده و یا مشخصات آنان را یادداشت می‌کردند. اکنون دیگر ایستادن در یک محل به مثابه‌ی جرم می‌نمود و سرکوب را در هر نقطه‌ای از دانشگاه جاری کرده بودند.

۱ آبان؛ تجمعات و راهپیمایی‌های دانشجویان در دانشگاه از این روز از سر گرفته می‌شود. دانشجویان خشمگین از به قتل رسیدن مردمان در خیابان و سیل بازداشتیان معترض در خارج از دانشگاه و افزایش بازداشتیان دانشجویان بی‌خبری از وضعیت آنان، بسیار رادیکال‌تر از پیش در تجمعات حاضر شده و شعارها به شکل معنی‌داری رادیکال‌تر می‌شوند؛ شعارهای رادیکالی همچون: «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر»، «این آخرین پیامه، هدف کل نظامه»، «فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «خامنه‌ای قاتله، ولایتش باطله» و بسیاری شعارهای دیگر که نشان از ایستادگی دانشجویان است، سرداده می‌شوند. شعارهایی همچون: «توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد؛ به مادرم بگوئید،



دیگر دختر ندارد»، «هر یه نفر کشته شه، هزار نفر پشتشه»، «یک دانشجو کم بشه، اینجا قیامت میشه»، «می‌جنگیم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم» و «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان». دانشجویان مطابق رویه‌ی همیشگی خود، بیش از 5 ساعت در حال تجمع اعتراضی و راهپیمایی در سطح دانشگاه بوده و اینبار اما محلی را به محل‌های تجمع خود اضافه می‌کنند که در روزهای آتی نیز به آن برخوانند گشت؛ سلف دانشگاه. دانشجویان با ورود به سلف دانشجویی، تفکیک جنسیتی ایجاد شده در سلف را از میان برده و در فضایی بدون تبعیض جنسیتی در محل سلف حاضر می‌شوند؛ مدت زیادی در داخل سلف نیز شعارهای اعتراضی خود را ادامه می‌دهند و با صرف نهار در این فضای جدید، اعتراض خود را دوباره در خارج سلف نیز ادامه می‌دهند.

۲ آبان؛ آبان ماه با سیل صدور احکام بدوی تعلیق و اخراج و محرومیت برای دانشجویان دانشگاه فردوسی آغاز می‌شود؛ در همین هنگام، دانشجویان دیگری نیز بازداشت شده‌اند. در این روز، افزون بر تجمع و راهپیمایی در سطح دانشگاه و برداشتن تفکیک جنسیتی سلف دانشجویان، دانشجویان دانشکده‌ی علوم ورزشی در حمایت از دانشجوی بازداشتی این دانشکده، در مقابل دانشکده‌ی علوم ورزشی و با در دست داشتن نام آن دانشجو تحصن می‌کنند.

3 آبان؛ تجمعات اعتراضی و راهپیمایی دانشجویان در سطح دانشگاه در سومین روز متوالی در هفته‌ی مذکور برپا می‌شود و دانشجویان شعارهای خود را در گوش دانشگاه همچنان بانگ می‌دهند. با نزدیک شدن به چهارم ژینا امینی، حلقه‌ی سرکوب روز به روز بر دانشجویان تنگ‌تر می‌شود.

۴ آبان؛ با وجود سرکوب و ارباب شدید دانشجویان از جانب مسئولین دانشگاه و حراست و حضور پرتعداد نیروهای لباس شخصی در میان و کنار جمعیت، در روز چهارم ژینا امینی دانشجویان فردوسی تجمع چند هزار نفری خود را در این روز نیز شکل می‌دهند. در این روز در محل‌های مختلف هلی‌شات بر بالای سر دانشجویان معترض به پرواز درآمد، اما دانشجویان همچنان به اعتراض و راهپیمایی خود ادامه دادند. دانشجویان شعار می‌دادند «امروز اربعینه، دانشگاه خونینه»، «با خون ما نوشتین، که مهسا رو نکشتین»، «بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایی»، «آهای آهای نشسته‌ها، مهسای بعدی از شماست» و سایر شعارهایی که هر روز اعتراضات سر داده می‌شدند. تجمع با وجود استقرار سنگین نیروهای یگان ویژه در ورودی‌های دانشگاه و حضور لباس شخصی‌ها در داخل دانشگاه و خشونت روزافزون حراست، همچنان ادامه پیدا می‌کند؛ هرچند حراست با گرفتن کارت دانشجویی از برخی حاضرین و یادداشت مشخصات آنان همچنان قصد بر ارباب و سرکوب دانشجویان داشته، اما دانشجویان از پای ننشسته و در این روز نیز اقدام به برداشتن تفکیک جنسیتی در یکی دیگر از سلف‌های دانشجویی دانشگاه می‌کنند.

۷ آبان؛ در این روز نیز تجمعات دانشجویی همچون روزهای پیشین ادامه پیدا می‌کند، با این تفاوت که از این روز خشونت بسیجیان در مقابل دانشجویان معترض افزایش پیدا کرده و چند مرتبه با دانشجویان درگیر شده و تعدادی

از دانشجویان را مجروح می‌کنند. همچنین در مقابل دانشکده‌ی علوم، بسیجیان جمعیت دانشجویان را محاصره کرده و هیچ راهی برای خروج دانشجویان از آن محل باقی نمی‌گذارند. دانشجویان اما، حتی در آن وضعیت نیز دست از شعار دادن برنمی‌دارند و این بار بسیجیان را این‌طور خطاب شعارهای خود قرار می‌دهند که «بسیجی بی‌ریشه، ساندیس شرف نمیشه»، «بسیجی بر گمشو» و «حیدر حیدر شعارتون، جنایت افتخارتون». اساتید را همچون پیش با شعار «استاد با شرافت، حمایت، حمایت، حمایت» به حمایت از خود فرامی‌خواستند و در همراهی حراست با بسیجیان شعار «حراست، بسیجی، پیوندتان مبارک» را سر می‌دادند. در این روز دانشجویان به حادثه‌ی تروریستی در شاهچراغ شیراز واکنش نشان داده و شعار می‌دادند «شاهچراغ کار کیاست، کار همین سپاهیاست»، «همونی که چلاقه، قاتل شاهچراغه» و «مرگ بر تیرانداز، چه زاهدان، چه شیراز». در این روز نیز دانشجویان تفکیک جنسیتی سلف دانشجویی را برداشتند. نکته‌ی قابل بحث دیگر این است که با نزدیک شدن جمعیت دانشجویان معترض به مهدکودک موجود در دانشگاه، دانشجویان شعار را متوقف و با سکوت از جنب آن مکان عبور کردند.

۸ آبان؛ در این روز دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، در حمایت از دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد که شب پیش از این تاریخ از جانب نیروهای امنیتی مورد هجوم، محاصره و سرکوب و بازداشت قرار گرفته بودند، به میدان آمده و اقدام به تجمع و راهپیمایی اعتراضی کردند؛ دانشجویان شعار سرداده که «از فردوسی تا آزاد، ما همه با هم هستیم». یکی از اعضای حراست اقرار می‌کند که «ما امروز ۱۵ کیلومتر دنبالتون اومدیم»، و این مسافت در تمامی تجمعات شکل گرفته تقریباً طی شده است. پنج ساعت تجمع و راهپیمایی در دانشگاه، بدون لحظه‌ای سکوت و با توقف در دانشکده‌های متفاوت، و جمعیتی چند هزار نفری که هر روز ۱۵ کیلومتر در دانشگاه راهپیمایی اعتراضی برگزار کرده‌اند. در این روز، رئیس دانشگاه فردوسی برای اولین بار در میان معترضین حاضر می‌شود، اما تنها کاری که انجام می‌دهد ارباب و تهدید دانشجویان به وسیله‌ی احکام انضباطی و برخوردهایی سرکوبگرانه است. در همین روز با امضاء دکتر احد ضابط، سرپرست هنوز رئیس نشده‌ی دانشگاه فردوسی، برای تعدادی نزدیک به ۳۰ نفر از دانشجویان، حکم منع ورود یک ماهه به دانشگاه صادر می‌شود.

۱۹ آبان؛ پس از دعوت بسیج دانشجویان دانشگاه فردوسی از آقای بهادری جهرمی (سخنگوی دولت) به دانشگاه فردوسی، وی در روز ۱۹م آبان جهت جلسه‌ی پرسش و پاسخ به دانشگاه فردوسی آمد. علی‌رغم اعلام قبلی برگزارکنندگان مبنی بر آزاد بودن حضور عموم دانشجویان در مراسم، اما دانشجویان پشت در سالن اجتماعات دانشکده‌ی علوم مانده و نتوانستند وارد سالن مراسم شوند. غالب حجم صندلی‌های سالن مراسم را قبلاً بسیجیان اشغال نموده و تعداد اندکی از سایر دانشجویان توانسته بودند وارد سالن شوند. به همین جهت تعداد بسیار زیادی از دانشجویان پشت در ورودی محل مراسم مانده و حراست به آنان اجازه‌ی ورود به سالن را نمی‌دهد. در همین زمان دانشجویان شروع به اعتراض و سردادن شعارهای اعتراضی کرده و شعار می‌دادند «سخنگو بیا بیرون»، «مهمون قاتل نمی‌خوایم، سیستم فاسد نمی‌خوایم». در نهایت پس از تهیه‌ی ویدیوهای لازم برای پخش در صداوسیما دولتی از مراسم،

حراست اجازهی ورود دانشجویان به سالن را داده و تا پایان مراسم بیشتر دانشجویان در ردیفهای پایانی سالن ایستاده بودند. ضمن آنکه با درخواست بسیاری از دانشجویان برای حضور در پشت تریبون آزاد و سخن گفتن از آن محل برای دانشجویان موافقت نشد و در نتیجه دانشجویان شعارهای اعتراضی خود را در داخل سالن و در حضور سخنگوی دولت ادامه دادند؛ دانشجویان شعار سرمی دادند که «هیز تویی، هرزه تویی؛ زن آزاده منم»، «مهمون قاتل نمی خوایم، سیستم فاسد نمی خوایم»، «زن، زندگی، آزادی» و گاهی در پاسخ به سخنان تحقیر آمیز سخنگوی دولت، دانشجویان شعار می دادند که «سخنگو برو گمشو» و «بی شرف، بی شرف».

۲۸ آبان؛ دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد برای روز ۲۸م آبان فراخوانی صادر کردند که دانشجویان دانشگاه فردوسی نیز از فراخوان آنان حمایت کرده و اعلام همراهی کردند. تجمع در محوطه‌ی دانشگاه علوم پزشکی تشکیل شد اما حراست مانع از حرکت تجمع به سمت محوطه‌ی دانشگاه فردوسی می‌شود. بهانه‌ی آنان این بود که دو دانشگاه از یک دیگر مستقل بوده و دانشجویان علوم پزشکی حق ورود به محوطه‌ی فردوسی را ندارند؛ در حالی که حراست‌های فردوسی خود در سرکوب آن تجمع یاری‌گر حراست پزشکی بوده و در تمامی تجمعات پیشین نیز، حراست دانشگاه علوم پزشکی در سرکوب دانشجویان دانشگاه فردوسی، با حراست این دانشگاه همکاری کرده بود. در همین روز است که تعداد بسیار زیادی از افراد غیر دانشجو با اتوبوس‌های خط واحدی که بنابه شمارش دانشجویان ۲۰ عدد بوده‌اند، به داخل دانشگاه آمده و خود تجمعی شکل دادند. درست در همان روزی که نیروهای حراست با تعدادی از دانشجویان درگیر شده و با آنان برخورد فیزیکی داشتند. پس از دفن دونفر از سرکوبگران در داخل دانشگاه فردوسی در روز ۲۷ آبان و برگزاری مراسمی در همان روز و شب، ۱۲۸م آبان آن تعداد بسیجی و ارزشی را به بهانه‌ی عزاداری وارد دانشگاه کرده و مشغول شعار دادن در محیط دانشگاه بودند.

۱۶ آذر؛ پس از توقف چند هفته‌ای تجمعات اعتراضی دانشجویان فردوسی، دانشجویان باری دیگر بپا خاستند. روز ۱۶ آذر را دانشجویانی رقم زدند که پیشتر در میانه‌ی جمعیت بودند؛ چراکه فعالین شناخته‌شده‌ی پیشین، یا در بازداشت بوده و یا با حکم تعلیق و ممنوع‌الورودی مواجه شده بودند. در این روز حراست مانع هرگونه توقف در محل تعیین شده برای تجمع اولیه از جانب دانشجویان (میدان علوم) بود؛ و ساعت‌ها قبل از ساعت اعلام شده، نیروهای حراست پرتعداد دور تا دور میدان علوم ایستاده و حتی مانع توقف دانشجویان در محل ایستگاه اتوبوس دور میدان می‌شدند. در سایر نقاط احتمالی تجمع نیز نیرو قرار داده و مرتب کارت دانشجویی دانشجویان را درخواست کرده و به تهدید و ارعاب آنان پرداختند. اما نهایتاً تجمع شکل می‌گیرد. در همان ابتدای تجمع، نیروهای حراست با شوکر برقی به یکی از دانشجویان حمله کرده و او را دستگیر می‌کنند. برخورد حراست و نیروهای لباس شخصی در این روز بسیار بی‌شرمانه و وقیحانه بوده و انگار اختیار تام برای سرکوب دانشجویان به آنان داده شده بود. در این روز دو لیدر جدید در میان سرکوبگران مشاهده می‌شد؛ یکی از آنان لباس حراست به تن داشت ولی هیچ گونه بچ شناسایی‌ای بر سینه نداشت و با این وجود، ماسک بر صورت داشت؛ این شخص در روز ۱۶ آذر

فرماندهی نیروهای حراست را بر عهده داشت و هر دستوری که می‌داد حراستی‌ها می‌دویدند و اطاعت می‌کردند. لیدر دیگر اما ماسک بر صورت نداشت، و لباس شخصی بود؛ او فرماندهی نیروهای لباس شخصی را در آن روز برعهده داشت و حتی معاون دانشگاه در برابر وی سکوت می‌کرد. در همین روز است که مدیر حراست به حضور لباس شخصی‌ها در محیط دانشگاه و در میان دانشجویان جهت سرکوب آنان اعتراف می‌کند و هنگامی که توسط دانشجویان به وی گفته می‌شود که به نیروهای حراست دستور دهید که اجازه دهند که ما رد بشویم، مدیر حراست پاسخ می‌دهد که «من چجوری به لباس شخصی دستور بدم آخه؟». در همین روز نیروهای حراست به شدت با دانشجویان درگیر می‌شدند، به شکلی که یکی از دانشجویان در همین حین به زمین افتاده و با آمبولانس به مرکز پزشکی منتقل گردید و همچنین در همان روز بازداشت شد. اما در این روز لباس شخصی زن نیز در میان جمعیت وجود داشت؛ و همین زن لباس شخصی بود که این روز یکی از دانشجویان دختر را مورد ضرب و شتم قرار داد و او را بر روی زمین می‌کشید و در همین حین حراست سایر دانشجویان را تهدید می‌کرد و مانع از کمک به آن دانشجوی دختر می‌شد. با تمامی این جریانات و سرکوب‌ها، تجمع اعتراضی و راهپیمایی در دانشگاه فردوسی ادامه یافت و شعارهای بسیار رادیکالی سرداده می‌شد. «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر»، «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه»، «این آخرین پیامه، هدف کل نظامه»، «فقر، فساد، گرونی؛ میریم تا سرنگونی»، «توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد؛ به مادرم بگوئید، دیگر دختر ندارد»، «با خون ما نوشتن، که مهسا رو نکشتن»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «زن، زندگی، آزادی» و «بسیجی بی‌ریشه، ساندیس شرف نمیشه» از جمله شعارهای سرداده شده در روز دانشجو از جانب دانشجویان دانشگاه فردوسی بود. همچنین دانشجویان نام دانشجویان زندانی دانشگاه فردوسی را و درخواست آزادی آنها را به این شیوه فریاد می‌زدند: «(نام دانشجو)، آزاد باید گردد».

پس از روز ۱۶ آذر، دیگر تجمع اعتراضی‌ای به آن شکل پیشین شکل نگرفت؛ در ادامه و در بخش مربوط به سرکوب دانشجویان بیشتر در این مورد بحث خواهد شد.

۲۱ آذر؛ با انتشار بیانیه‌ی جمعی از اساتید دانشگاه فردوسی در محکوم کردن سرکوب‌های دانشگاه در روز ۱۶ آذر و ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه در آن روز، اساتید درخواست کردند که در روز ۲۱ آذر در مقابل ستاد مرکزی دانشگاه تجمع سکوت برگزار شود. دانشجویان نیز در همبستگی با اساتید، از این فراخوان تجمع حمایت کردند. اما دانشگاه مجوز این تجمع را برای اساتید صادر نمی‌کند و با فشار و سرکوب شدید، مانع از تجمع دانشجویان می‌شود.

۲ اسفند؛ در پی اخراج ۱۱ تن از اساتید مدعو دانشگاه فردوسی، دانشجویان این دانشگاه جهت حمایت از آن اساتید که خود به سبب حمایت از دانشجویان اخراج شده بودند، فراخوان تجمع برای ۲ اسفند صادر می‌کنند. اما

همچون فراخوان پیشین، حراست و نیروهای پر تعداد امنیتی مانع از تشکیل تجمع می‌شوند. رئیس حراست در این روز دستور مسدود کردن درب شرقی دانشگاه را صادر کرده و روزهای قبل از موعد فراخوان، دانشجویان دارای حکم بدوی تعلیق به کمیته‌های انضباطی و حراست فراخوانده می‌شوند و تهدید می‌شوند که در صورت شرکت در تجمع آتی، حکم بدوی آنان قطعی خواهد گشت.

۶ اسفند؛ برای این روز نیز دوباره فراخوانی جهت حمایت از اساتید اخراجی دانشگاه و دانشجویان بازداشتی و تعلیقی فردوسی صادر می‌شود که این بار نیز تجمع شکل نمی‌گیرد. یکی از دانشجویان وقایع این روز را چنین حکایت می‌کند: «اتوبوس‌های سرکوب آماده در هر معبر ورود و خروج دانشگاه. نیروهای حراست از اتوریتته‌ی دانشگاه، متمرکز در مکان مقرر اجتماع و معابر ورود به آن. دریافت کارت دانشجویی و یادداشت مشخصات عابران و افراد متوقف شده در آن مسیر. بازخواست دانشجویان دارای احکام بدوی تعلیق در روزهای پیش از موعد فراخوان، و ارباب آنان با نشان دادن حکم قطعی تعلیقی که به آنان ابلاغ نشده».

۱۶ اسفند؛ فراخوانی توسط جمعی از دانشجویان فردوسی برای تجمع در ۱۶م اسفند، به مناسبت روز جهانی زن صادر می‌شود. که در این روز نیز تجمعی قادر به شکل گرفتن نمی‌شود.

۱۹ اردیبهشت؛ در حمایت از فراخوان تجمع سراسری معلمان در روز ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، که از جانب شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران و به مناسبت سالروز اعدام فرزاد کمانگر صادر شده بود، جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز اقدام به صدور فراخوان در این روز می‌کنند. و در موعد این فراخوان نیز دانشگاه سرکوب خود را تشدید کرده و درانجام این سرکوب، تجمعی برای این روز نیز شکل نمی‌گیرد.

در پایان باید اشاره کرد که پرتعدادترین حضور دانشجویان دانشگاه فردوسی در تجمعات اعتراضی این دانشگاه، می‌توان گفت که در هفته‌ی ابتدایی اعتراضات دانشگاه (۹ مهر تا ۱۲ مهر) و پیش از فراگیر شدن روند احضار، بازداشت و سرکوب سیستماتیک دانشجویان بوده است؛ تخمین زده می‌شود که بیش از ۳ هزار دانشجوی معترض در هر یک از این روزها در اعتراضات و راهپیمایی‌های داخل دانشگاه فردوسی حضور داشته‌اند. همچنین، بیشترین شمار احضار دانشجویان به کمیته‌ی انضباطی و بازداشت دانشجویان نیز پس از پایان آن دور از اعتراضات تا شروع دور بعدی اعتراضات دانشجویان در هفته‌ی پس از آن رخ داده است. همچنان می‌توان اشاره کرد که در تجمع اعتراضی روز دانشجو در ۱۶ آذر، دانشجویان فردوسی از جانب نهادهای سرکوبگر، بیشترین سرکوب فیزیکی را در میان سایر روزهای تجمعات متحمل شده‌اند.

## تحصن‌ها

۲ آبان؛ تحصن دانشجویان دانشکده‌ی علوم ورزشی در مقابل آن دانشکده، جهت حمایت از یکی از دانشجویان بازداشتی دانشکده‌ی علوم ورزشی.

۲۱ آبان؛ تحصن دانشجویان دانشکده‌ی معماری، در اعتراض به گذشت یک ماه از بازداشت یکی از دانشجویان این دانشکده.

تحصن دانشجویان دانشکده‌ی مهندسی، در جهت اعتراض به بازداشت چندین تن از دانشجویان این دانشکده.

## اعتصابات

اعتصابات و تحریم کلاس‌های درس در دانشگاه فردوسی از ابتدای ترم مهر آغاز شد و به شیوه‌ای مطلوب و البته نه کامل، تا میانه‌ی آن ترم ادامه داشت. ایامی که تجمعات اعتراضی برگزار نمی‌شدند، به صورت مرتب دانشجویان با اتکا به این شیوه، اعتراض خود را بروز می‌دادند. البته با کاهش تجمعات اعتراضی دانشجویان در دانشگاه، سیستم سرکوب بر سایر امکانات اعتراضی دانشجویان و به ویژه تحریم کلاس‌ها از جانب دانشجویان تمرکز بیشتری کرد؛ به شیوه‌ای که به تمامی اساتید دانشگاه دستور داده شده بود که حتی در کلاسی با حضور یک دانشجو نیز، کلاس باید برگزار شود و دانشجویان غایب باید توبیخ و حذف ترم شوند. در همین دوران برای بسیاری از دانشجویان پیامک‌هایی از جانب دانشگاه مبنی بر حذف دانشجو از درسی که در کلاس آن حاضر نشود ارسال می‌شد.

## کنش‌های اعتراضی

پس از ناموفق بودن دانشجویان در تشکیل تجمع اعتراضی در سطح دانشگاه، دانشجویان به کنش‌هایی دیگر پرداختند که پیش از آن نیز به شکلی کم‌رنگ‌تر انجام می‌شدند؛ در این بخش به این دسته از کنش‌ها خواهیم پرداخت.

بر اساس گزارش‌های دریافتی، در دو مورد و در دو مکان از دانشگاه فردوسی مشهد، دانشجویان پرفورمنسی را به یاد خدانور لجعی و با آن حالت دست‌های بسته و لیوانی آب در کنار خود اجرا کرده‌اند.

همچنین دانشجویان در کنشی اعتراضی، حوض آب دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه را به رنگ خون درآورده و قایق‌هایی کاغذی با نوشته‌ی «کیان پیرفلک» را در آن شناور ساختند. حداقل در هفت مورد دیگر، دانشجویان قایق‌هایی کاغذی را در حوض‌های آب دانشکده‌ی خود شناور ساختند.

دانشجویان در دانشکده‌ی مهندسی پرفورمنسی به نام «ساندیس با طعم خون» اجرا کرده که بر ساندیس‌ها متونی از جمله «خون خدانور»، «خون زاهدان»، «خون مردم ایران»، «خون کردستان»، «خون کیان» و «خون نیکا شاکرمی» نوشته شده بود.

همچنین در دو مورد و هر دو در دانشکده‌ی مهندسی، آهنگ‌های انقلابی و متعلق به قیام ژینا از بلندگوهای مخفی شده در محیط دانشکده پخش گردیده است که موجب استیصال نیروهای حراست تا مدت زمانی در پیدا کردن منبع صدا شده است. یکی از این کنش‌ها در تاریخ ۲۱ آذر و پس از اعدام مجید رضا رهنورد اتفاق افتاده است.

گزارش‌های بسیاری از شعار نویسی در محل‌های مختلف دانشگاه فردوسی و به مناسبت‌های مختلف در دست است. تقریباً در تمام دانشکده‌ها و در محل‌هایی متفاوت همچون؛ دیوار کلاس درس، تخته سیاه کلاسی، صندلی‌های کلاسی، آب‌سردکن‌ها، سرویس‌های بهداشتی، سرویس‌های اتوبوس، تیرهای برق، سطل‌های زباله، سنگ‌ها، کتاب‌خانه‌ها، تابلوهای اعلانات بسیج، المان‌های دانشگاه، سطوح معابر، نیمک‌های بوستان‌ها و دیوارهای خوابگاه‌ها شعار نویسی صورت گرفته است. مواردی از شعارها هم در ادامه ذکر شود. دانشجویان بر دیوار کلاسی در دانشکده‌ی علوم نوشته‌اند: «مرگ بر خامنه‌ای»، «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر دیکاتور»، «با سردخونه‌های پر، با خشم ما چه می‌کنی؟». همچنین دانشجویان بر غالب آب‌سردکن‌های موجود در دانشکده‌ها نوشته‌اند «بنوش به یاد خدانور». دانشجویان بر تابلوی اعلانات بسیج و بر تصویر قاسم سلیمانی در آن نوشتند «جمهوری اسلامی رفتنی است». همچنین بر تخته‌های کلاس خود می‌نوشتند «به نام خداوند رنگین‌کمان». و دانشجویان پس از اعدام‌ها از جانب حکومت، انزجار خود را با شعار نویسی نیز ابراز کردند و محیط دانشکده‌ها نوشتند «سکوت شما، یعنی حمایت از ظلم و ظالم» و «سخت هراسیده‌اید از دل یک رنگ ما». همچنین دانشجویان در دانشکده‌ی علوم بر تخته سیاه کلاس خود، هفت طناب دار را نقاشی کرده و دانشجویان به نظاره‌ی آن نشستند. دانشجویان در چند مورد، اسامی بازداشت شدگان، تصاویر دانشجویان بازداشتی دانشگاه و تصاویر و اسامی شهیدان قیام را در سطح دانشکده‌ای و یا دانشگاه منتشر کردند.

کنش‌هایی جمعی‌تر نیز در مقاطعی از جانب دانشجویان انجام گرفته است. از جمله امتناع دانشجویان از برگزاری بازی فینال تیم‌های ورزشی در اعتراض به ممانعت از حضور دانشجویان دختر در سالن مسابقات و همچنین لغو

مسابقات والیبال دانشجویان به همین جهت. همچنین اعتراض‌هایی به کیفیت غذای ارائه شده به دانشجویان در سلف دانشجویی انجام گرفته است و نیز دانشجویان غالباً غذاهای خود را در خارج از سلف و در فضایی بدون تبعیض جنسیتی سرو می‌کردند.

## بیانیه‌ها

در نبود تشکل و اتحادیه‌های مستقل و آشکار برای عموم دانشجویان دانشجویان به نحوی جمع‌هایی از فعالین مستقل تشکیل داده‌اند که به عنوان بخشی از بدنه‌ی فعال دانشجویی به کنش و فعالیت پرداخته‌اند. در طول قیام ژینا نیز فعالیت این جمع‌ها ادامه داشته است و در مواردی تأثیرات بسزایی در روند جنبش دانشجویی دانشگاه فردوسی داشته‌اند. همانطور که پیشتر اشاره شد، اولین بیانیه‌ی دانشجویان دانشگاه فردوسی با عنوان «جمعی از دانشجویان» در تاریخ ۲۶م شهریور ۱۴۰۱ و پس از قتل ژینا امینی توسط آمرین حکومت صادر شد، که در آن خواست اعتصاب سراسری و تحریم کلاس‌ها در دانشگاه فردوسی اعلام می‌شود.

اما بیانیه‌های دیگری از دانشگاه فردوسی و با امضاء دانشجویان نیز منتشر می‌شود که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت. در تاریخ ۸ آبان ۱۴۰۱، بیانیه‌ای از سوی جمعی از دانش‌آموخته‌ها و دانشجویان گروه برق دانشگاه فردوسی مشهد خطاب به اساتید گروه برق دانشگاه فردوسی، با امضاء ۱۸۰ تن منتشر می‌شود. در بخشی از متن آن بیانیه نوشته شده است که: «اما لازم است بار دیگر، ما دانش‌آموختگان سال‌های گذشته و دانشجویان حال گروه برق، درست در روزهای اوج اعتراضات و سرکوب دانشجویان سراسر کشور، در قالب این بیانیه‌ی کتبی، نهیب‌تان زنیم. و بدانید رد جوهر امضای همراهی شما در خاطره‌ی تاریخ خواهد ماند. خصوصاً اگر امضایی نباشد...». «اگر به میدان نمی‌آید، اگر حق‌تان از زندگی را فراموش کرده‌اید، اگر آزادی را نمی‌شناسید و نمی‌خواهید، لاقلاً در برابر جنایت، سکوت نکنید و به زندگی عادی نپردازید و تسهیل‌کننده‌ی سرکوب دانشجویان نباشید. نگذارید فکر کنیم از پایه‌های قدرت آویزانید.»

همچنین ۲۱۰ تن از دانش‌آموختگان مهندسی عمران دانشگاه فردوسی مشهد، در نامه‌ای سرگشاده و در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۱ به اساتید گروه عمران این دانشگاه، به آنان تذکر داده و از آنان «پیگیری جدی موضوع دانشجویان معترض از هیأت رئیسه دانشگاه، موجبات رفع اتهامات انضباطی و آزادی بدون قید شرط» دانشجویان بازداشتی را درخواست می‌کنند.

پس از ضرب و شتم و بازداشت یکی از دانشجویان دکتری علوم دامی دانشگاه فردوسی در تجمع اعتراضی دانشجویان در روز ۱۶ آذر، انجمن علمی علوم دامی دانشگاه فردوسی بیانیه‌ای صادر کرده و بیان می‌کند که تمامی



فعالیت‌های خود را تا آزادی این دانشجو متوقف خواهد کرد و شدیداً خواستار آزادی بدون قید و شرط ایشان می‌شود.

در این میان دانشجویانی به صورت انفرادی نیز بیانیه‌هایی در محکومیت شرایط موجود در دانشگاه و جامعه‌ی خود منتشر می‌کردند. همچنین بیانیه‌ای از جانب «جمعی از دانشجویان پسر دانشگاه فردوسی مشهد» در مخالفت و محکومیت رویه‌ی اتخاذ شده از جانب سه وزارت علوم، بهداشت و آموزش و پرورش که فرمان سلب خدمات از دخترانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند را داده بودند در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۴۰۲ منتشر شده است.

پس از تهدید و سرکوب دانشجویان دانشگاه هنر در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۴۰۲، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز همچون بسیاری دیگر از دانشجویان دانشگاه‌های ایران از هم‌صنفان سرکوب گشته‌ی خود در طی بیانیه‌ای حمایت خود را ابراز کردند. در بخشی از آن بیانیه آمده است که «شما ای «دانشجویان دانشگاه هنر»، شما روح این انقلابید؛ شما هنر این فعل و ظرافت این حرکتید. ما «دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، حامی، هم‌رزم و دوشادوش شما «دانشجویان دانشگاه هنر» خواهیم بود».

## حراست؛ در طول قیام و پس از آن

سال تحصیلی ۰۲-۱۴۰۱ برای دانشجویان دانشگاه فردوسی، زمانی بود که هرچه بیشتر با ذات حراست و نیروهای به نام حفاظت از دانشگاه و دانشجویان آشنا شدند. نیروهایی که با وجود متعلق بودن آنان به دانشگاه، بدون واسطه خود نیروی سرکوب دانشجویان بوده و با واسطه عامل حضور نیروهای امنیتی و اطلاعات در داخل محیط دانشگاه و دسترسی این نهادها به اطلاعات دانشجویان بودند. در طی این بخش، به اعمال و سرکوب‌های نیروهای حراست دانشگاه فردوسی مشهد و سایر نهادهای سرکوبگر وارده به دانشگاه در طول دوران قیام و پس از آن خواهیم پرداخت.

## حراست و سرکوب اعتراضات دانشجویی

اعتراضات و تجمعات میدانی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، از روز ۹ مهر ۱۴۰۱ آغاز می‌شود و از همان تاریخ نیز سرکوب‌های حراست بر دانشجویان آغاز می‌گردد. در هفته‌ی اول اعتراضات در فردوسی، نیروهای حراست به مراتب از هفته‌های بعدی سرکوب کمتری را بر دانشجویان اعمال می‌کردند، اما این نیز به معنی عدم وجود سرکوب در آن هنگام نیست. پیش از آغاز هر تجمع، تعداد پرشمار نیروهای حراست در محل‌های مورد انتظار تجمع و معابر اصلی دانشگاه حاضر می‌شدند و دانشجویان را تهدید کرده و مانع از توقف آنان می‌شدند. در مواردی نیز کارت دانشجویی آنان را درخواست کرده و مشخصات دانشجویان را یادداشت می‌کردند، که بعداً مشخص گردید با خانواده‌ی آنان تماس گرفته می‌شده و با تهدید و نگران ساختن خانواده‌ی دانشجویان، در پی فشار بر دانشجویان معترض و سرکوب از این طریق بودند. در هنگام تجمع نیز تعداد زیادی از نیروهای حراست و لباس شخصی در کنار و میان جمعیت حضور داشته و مشغول به فیلم‌برداری و شناسایی دانشجویان معترض بودند؛ به طوری که دانشجویان احضار شده به کمیته‌ی انضباطی بعداً با همان تصاویر چاپ شده خود در پرونده‌هایشان برخورد می‌کردند. نیروهای حراست در جریان تجمعات اعتراضی دانشجویان، بارها به دانشجویان توهین کرده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و در مواردی حتی با شوکر برقی اقدام به این کار کرده‌اند. در تجمعات دانشجویی، نه تنها نیروهای حراست دانشگاه فردوسی و نیروهایی لباس شخصی حضور داشتند، بلکه نیروهای حراست و حفاظت فیزیکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد نیز برای سرکوب دانشجویان معترض حضور می‌یافتند. با ادامه‌دار شدن اعتراضات در فردوسی و افزایش جمعیت دانشجویان معترض، سرکوب در دانشگاه نیز تشدید شد؛ به طوری که تعداد زیادی نیروی حراست جدید وارد دانشگاه گردیده و در محیط دانشگاه دیده می‌شدند که با لباس‌های

فرم نو و بدون بچ شناسایی فضای ارباب و سرکوب را در دانشگاه تشدید می‌کردند. موارد بسیاری از جانب دانشجویان گزارش گردیده است که همین نیروهای حراست، آدرس محل و نقاط مورد نظر خود را از دانشجویان پرسش می‌کردند و خود محیط دانشگاه را نمی‌شناختند.

در جریان تجمع و راهپیمایی اعتراضی ۷ آبان، یکی از نیروهای سرکوب حاضر خطاب به دانشجویان می‌گوید: «اگر رهبر دستور بده، تک تکتون رو با تیر می‌کشم.» و در همین احوال نیز دانشجویان دختر معترض که حجاب اجباری را رعایت نکرده‌اند تهدید می‌کند. در ۸ آبان نیز، نیرویی لباس شخصی با کلت کمری به تهدید و ارباب دانشجویان پرداخته است که در نهایت توسط خود مدیران حراست کنترل می‌شود. در جریان تجمع و راهپیمایی اعتراضی دانشجویان در روز ۱۶ آذر نیز یکی از سرکوبگران در لباس حفاظت فیزیکی، در درگیری لفظی با دانشجویان معترض بیان می‌کند که «من دو سال تو سوریه با داعشی‌ها جنگیدم، شما بچه \*ی‌ها چیزی نیستین!» همانطور که قبلاً اشاره شد، در طول تجمع و راهپیمایی اعتراضی روز ۱۶ آذر، در این روز دو لیدر جدید در میان سرکوبگران مشاهده می‌شد؛ یکی از آنان لباس حراست به تن داشته ولی هیچ گونه اتیکت شناسایی‌ای بر سینه نداشت و با این وجود، ماسک بر صورت داشت؛ این شخص در روز ۱۶ آذر فرماندهی نیروهای حراست را بر عهده داشت و هر دستوری که می‌داد حراستی‌ها می‌دویدند و اطاعت می‌کردند. لیدر دیگر اما ماسک بر صورت نداشت، و لباس شخصی بود؛ او فرماندهی نیروهای لباس شخصی را در آن روز برعهده داشت و حتی معاون دانشگاه در برابر وی سکوت می‌کرد. در همین روز است که مدیر حراست به حضور لباس شخصی‌ها در محیط دانشگاه و در میان دانشجویان جهت سرکوب آنان اعتراف می‌کند و هنگامی که توسط دانشجویان به وی گفته می‌شود که به نیروهای حراست دستور دهید که اجازه دهند که ما رد بشویم، مدیر حراست پاسخ می‌دهد که «من چجوری به لباس شخصی دستور بدم آخه؟». در همین روز نیروهای حراست به شدت با دانشجویان درگیر می‌شدند، به شکلی که یکی از دانشجویان در همین اثر به زمین افتاده و با آمبولانس به مرکز پزشکی منتقل گردید و همچنین در همان روز بازداشت شد. اما در این روز لباس شخصی زن نیز در میان جمعیت وجود داشت؛ و همین زن لباس شخصی بود که این روز یکی از دانشجویان دختر را مورد ضرب و شتم قرار داد و او را بر روی زمین می‌کشید و در همین حین حراست سایر دانشجویان را تهدید می‌کرد و مانع از کمک به آن دانشجوی دختر می‌شد.

نیروهای حراست در طول تجمعات اعتراضی، سرکوب‌های مختلفی را اعمال می‌کردند. آنان بین دسته‌ی معترضان و بسیجیان حایل ایجاد می‌کردند؛ اما با این وجود اجازه‌ی پیشروی بسیجیان به سمت دانشجویان معترض را داده و بارها موجب در تنگنا قرار گرفتن و محاصره شدن دانشجویان از جانب بسیجیان شدند. نیروهایی سرکوبگر در میان جمعیت حاضر شده و با به بحث گرفتن دانشجویان، موجب وقفه و فاصله میان آنان و جمعیت شده و با همین کار موجبات شناسایی آنان را فراهم آورده و جمعیت را به نوعی از یک‌دیگر جدا می‌کردند. نیروهایی از حراست همچنین با پاشیدن اسپری‌های رنگی به لباس دانشجویان، در پی شناسایی معترضین بودند.

نیروهای حراست در زمان‌های متفاوت با در اختیار گذاشتن مشخصات دانشجویان معترض به نهادهای امنیتی خارج از دانشگاه، موجب آن می‌شدند که دانشجویان بازداشت شوند و همچنین با دانشجویانی که بازداشت نشده بودند، از جانب نهادهای امنیتی تماس گرفته می‌شد و به نهادهایی احضار می‌شدند و از آنان تعهد گرفته می‌شد؛ در مواردی نیز مکرراً با خانواده‌های دانشجویان از جانب آن نهادها تماس گرفته می‌شد و به تهدید و ارباب آنان می‌پرداختند. در مواردی نیز دانشجویان هنگام خروج از دانشگاه پس از پایان تجمع آن روز، با نظاره‌ی نیروهای حراست دانشگاه از جانب نیروهای لباس شخصی و یگان‌های ویژه همیشه مستقر در درهای دانشگاه، مورد ضرب و شتم و تهدید قرار می‌گرفتند. همچنان که چند تن از فعالین دانشجویی دانشگاه فردوسی، دقیقاً در مقابل در خروجی دانشگاه بازداشت شدند.

نیروهای حراست همچنین به اتاق‌های تعدادی از دانشجویان معترض رفته و اقدام به تهدید آنان کرده‌اند. در موردی گزارش شده است که مدیران حراست به اتاق‌های دانشجویان معترض شناسایی شده رفته و آنان را از حضور در تجمعات آتی منع کرده و دست به تهدید می‌گشایند. یکی از دانشجویان چنین روایت می‌کند که «ساعت ۱۱ قبل از ظهر بود که یک نفر در زد و دو نفر وارد اتاق شدند، یکی از آنان خود را نماینده‌ی اطلاعات در حراست و دیگری خود را نماینده‌ی نهاد رهبری در حراست معرفی کرد». همچنین نیروهای حراست با تعدادی از دانشجویان تماس گرفته و آنان را تهدید به تشکیل پرونده‌ی انضباطی و تعلیق کرده است و به جمع کثیر دیگری نیز پیامک‌هایی با همان محتوا ارسال شده است. که همانطور که مطلع هستیم، اکثر پرونده‌های انضباطی علیه دانشجویان، با گزارش حراست دانشگاه تشکیل شده است و این مسئله را اگر در کنار گزارش‌های حراست جهت بازداشت دانشجویان قرار بدهیم، از نقش پررنگ سرکوب نیروهای حراست در جریان اعتراضات دانشجویی در طول قیام آگاه خواهیم شد.

## نقش حراست پس از سرکوب گسترده اعتراضات

با دور شدن فضای دانشگاه از تجمعات و راهپیمایی‌های اعتراضی دانشجویان، حراست اکنون فراغت بیشتری بر سرکوب در سایر حوزه‌ها و حریم‌های دانشجویان پیدا کرده بود. دانشجویان دختر در سطح دانشگاه به شیوه‌ی تصاعدی با اخطارهایی از جهت عدم رعایت حجاب اجباری از جانب نیروهای حراست مواجه می‌شدند. همچنین در دوره‌هایی متفاوت به دانشجویان کثیری پیامک‌های اخطار آمیز و گاهی تهدید آمیز ارسال می‌گشت که در مورد حجاب خود اخطار دریافت کرده و یا تهدید به تشکیل پرونده‌ی انضباطی و محرومیت متعاقب آن در صورت

تکرار عمل خود می‌شدند؛ پیامک‌هایی که در پایان آن نوشته می‌شده «مدیریت حراست و شورای انضباطی دانشگاه».

همچنین در این دوران در دانشگاه فردوسی سختگیری‌هایی اضافه بر سرکوب‌های پیشین مشاهده می‌شد؛ به طوری که حتی فضای باز محوطه‌ی مقابل دانشکده‌ی الهیات مورد تفکیک جنسیتی قرار گرفت و دانشجویان در صورت تن ندادن به این تفکیک جنسیتی، توسط حراست تهدید به ضبط کارت دانشجویی می‌شدند. همچنین در بعضی از کافه‌تریاهای دانشگاه تفکیک جنسیتی اجباری از جانب حراست صورت گرفت و در بعضی از موارد حتی در برخی از کافه‌تریایا به جهت جلوگیری از نشستن دانشجویان دختر و پسر در جوار هم، صندلی‌ها را جمع‌آوری کرده بودند.

اقدامات سرکوبگرانه‌ی حراست در همین مرحله پایان نیافته و حتی در روز ۲۷ خرداد ۱۴۰۲، مدیران حراست در سلف دانشجویی در خوابگاه دختران حضور یافته و دخترانی که حجاب اجباری را رعایت نکرده بودند را تهدید کردند. همچنین از ورود افرادی که حجاب دلخواه آنان را نداشتند ممانعت کردند. در همین روز نیروهای حراست اقدام به تهدید دانشجویان در سالن مطالعه‌ی دختران کرده؛ چراکه باز پوشش آنان را در مطابقت با پوشش اجباری نمی‌یافتند. و صحنه‌ای که دانشجویان در فردای آن روز در همان سالن مطالعه با آن مواجه می‌شوند این است که تمامی پنجره‌های سالن مطالعه از سوی حراست با کاغذ پوشانده شده است.

## کمیته انضباطی

از ابتدای جنبش دانشجویی در طول قیام ژینا تا به اکنون، یکی از شیوه سرکوب‌های فراگیر در دانشگاه‌ها توسط کمیته‌های انضباطی اعمال شده است، که خود به انحاء مختلف دانشجویان را سرکوب و زیست دانشجویی آنان را با اختلال مواجه کرده است. در این هنگام است که با ناکافی دانستن شیوه‌نامه‌ی انضباطی تصویب شده برای دانشجویان در سال ۹۸ که خود آن هنگام نیز اعتراضات فراوانی را پیرامون خود برانگیخت، در آبان ۱۴۰۱، وزارتین علوم و بهداشت اقدام به تصویب و ابلاغ شیوه‌نامه‌ای جدید می‌کنند که خود خفقان‌آورتر از شیوه‌نامه‌ی پیشین بوده و موجبات سرکوب بیشتر در قبال دانشجویان را با تغییرات عمده در ساختار قانونی و مواد و تبصره‌های خود فراهم می‌آورد. هرچند در ادامه اشاره خواهد شد که کمیته‌های انضباطی در دانشگاه فردوسی، در قبال دانشجویان از آن قوانین نیز عبور کرده و فراتر از آن شیوه‌نامه‌ی فراقانونی عمل می‌کنند. در ادامه به تفکیک مباحثی در این موارد ارائه خواهد شد.

## کمیته انضباطی؛ احکام صادره و احضارها

از ابتدای قیام ژینا تا به اکنون، حداقل ۱۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد از جانب کمیته‌ی انضباطی دانشگاه حکم تعلیقی دریافت کرده‌اند؛ و حداقل ۳ تن از دانشجویان این دانشگاه با حکم بدوی اخراج شده‌اند که حکم آن‌ها مطابق شیوه‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان به کمیته‌ی انضباطی مرکزی ارسال گردیده که در صورت تایید آن کمیته، قطعی خواهد شد. همچنین حداقل ۳ تن از دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی، حکم قطعی تعلیق از تحصیل دریافت کرده‌اند. احکام کمیته‌ی انضباطی دانشگاه برای دانشجویان شامل تنبیهاتی از یک ترم تعلیق از تحصیل تا چهار ترم از تحصیل بوده است که در غالب موارد، احکام با اخذ تعهد کتبی از آن دانشجویان در مرحله‌ی بدوی متوقف باقی مانده و در مواردی نیز با وجود تعهد کتبی دانشجویان، احکام قطعی برای آنان صادر شده است. همچنین کمیته‌ی انضباطی با استناد به تبصره ۲ ماده ۷ آیین‌نامه انضباطی دانشجویی، برای نزدیک به ۳۰ تن از دانشجویان حکم منع ورود یک ماهه به دانشگاه صادر کرده است که به تقریب نیمی از دانشجویانی که این حکم را دریافت کرده بودند از دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشگاه بوده که بعضاً امکان بازگشت به شهر محل سکونت خود را نداشته و در مواردی دانشجویان مذکور از دستگیری پس از خروج از دانشگاه هراس داشته‌اند؛ همچنین این حکم، زیست تمامی دانشجویان ذکر شده را با اختلال و تشویش مواجه کرده است.

احضارها به کمیته‌ی انضباطی دانشگاه اما به چند شیوه‌ی متفاوت بوده است. در مواردی احضار از طریق پرتال دانشجویی به دانشجویان ابلاغ شده است و در مواردی تنها با تماس و یا پیامک به کمیته‌ی انضباطی احضار شده‌اند. حتی مواردی وجود داشته‌اند که دانشجو پس از اتمام ترم و بازگشت به خانه، به کمیته‌ی انضباطی احضار گشته است. تقریباً تمامی اصول لازم در هنگام احضار و حضور در کمیته‌ی انضباطی از جانب مسئولین آن بخش رعایت نگشته است؛ چراکه دانشجویان حتی در هنگامی که شیوه‌نامه شرح و بیان حقوق دانشجو در آن هنگام از جانب مسئول کمیته و مطالعه‌ی پرونده‌ی انضباطی تشکیل شده و مشخصات شاکی و زمان ارتکاب جرم احتمالی را برای دانشجوی احضار شده ضروری می‌دانست، مسئولین کمیته‌ی انضباطی از تن دادن به این ضروریات ترمز می‌کردند. در بسیاری از موارد دانشجویان حق شرکت در جلسه‌ی بدوی کمیته‌ی انضباطی جهت بررسی پرونده‌ی خود را نداشته و به همین جهت توان دفاعی نیز برای آنان وجود نداشت. در مواردی که دانشجویان توانسته بودند در این جلسه حضور پیدا کنند نیز با صحنه‌ای از بازجویی خارج از ضوابط آیین نامه انضباطی و پرسش‌هایی خارج از مبحث مواجه می‌شدند؛ دانشجویانی که حتی اتهامشان به آنها تفهیم نشده بود و در این جلسات نیز با شکنجه روبه‌رو می‌شدند. در موارد بسیاری کمیته‌ی انضباطی دانشگاه فرصت‌های قانونی تجدیدنظرخواهی دانشجویان به احکام صادره را از دانشجویان مصادره کرده و در روند تماماً غیرقانونی به سرکوب خود عمل می‌کرد. در ادامه به شرح بیشتر موارد سرکوب و نقض قانون از جانب کمیته‌ی انضباطی دانشگاه فردوسی مشهد می‌پردازیم.

## از مرحله احضار تا شورای بدوی و تجدیدنظر

بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی و ماده ۹ منشور حقوق دانشجویی، تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز بدون حمل سلاح و به گونه‌ای که مخل مبانی اسلام یا نظم عمومی نباشد، آزاد است.

بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی و ماده ۵۶ منشور حقوق شهروندی و ماده ۶ منشور حقوق دانشجویی، هر کس حق برخورداری از دادرسی عادلانه را دارد.

بر اساس ماده ۴۶ و ۴۹ منشور حقوق دانشجویی و بند «ح» ماده ۶۶ شیوه‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان، موارد تخلف منتسب به دانشجو باید به صورت کتبی و شفاهی به وی تفهیم شود و دفاعیات دانشجو به صورت مکتوب دریافت شود.

بر اساس ماده ۴۷ منشور حقوق دانشجویی و اصل سوم شیوه‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان، اصل بر برائت دانشجو بوده و متهم برای اثبات بی‌گناهی خود در صورت عدم احراز تخلف انتسابی، نیاز به ارائه‌ی هیچگونه دلیلی ندارد و باید قانون به نفع وی تفسیر شود.

با وجود قوانینی که هنوز می‌توان به آن‌ها استناد کرد، دانشجویان با قوانینی مواجهند که مرتبا جهت سرکوب بیشتر آنان به‌روز می‌شوند. مواردی همچون اصل برائت، اصل حق بر استماع، اصل عدم تجسس به طور کلی از محتوای قانونی خالی گشته و به نفع سرکوب تفسیر گشته‌اند. به نوعی که تا شیوه‌نامه‌ی انضباطی مصوب سال ۹۸، تجسس در حریم خصوصی دانشجو خود جرم بود و نمی‌توانست محل استناد برای دادرسی قرار گیرد؛ اما در شیوه‌نامه‌ی ۱۴۰۱ این تجسس در حریم دانشجو، تا جایی که مربوط به اتهام انتسابی به وی باشد بدون مانع بوده و قابل استناد نیز هست، به طوری که اثر همین تغییر را می‌توان در جریان پرونده‌سازی‌ها در جریان جنبش اخیر در دانشگاه فردوسی مشاهده کرد. اصول دیگری همچون اصل حق رسیدگی منصفانه و لزوم حضور دانشجو در کمیته بدوی در صورت خواست وی نیز به کلی از شیوه‌نامه جدید حذف شده‌اند. همچنین در شیوه‌نامه‌ی جدید، فرصت ارائه‌ی درخواست تجدید نظر دانشجو به حکم بدوی خود، از ۱۰ روز به ۴۸ ساعت در صورت صلاح دید دبیر کمیته تغییر یافته است. در شیوه‌نامه‌ی ۱۴۰۱، همچنین تبصره‌هایی ذیل مواد مختلفی اضافه شده که پیشتر وجود نداشتند؛ چنان که فضای مجازی نیز (در تبصره ۶ ذیل ماده ۳۲) جزو حریم عمومی لحاظ شده و کمیته‌ی انضباطی توانایی انتساب جرم و در نظر گرفتن تنبیه برای دانشجویان با استناد به فعالیت دانشجویان در فضای مجازی را نیز خواهند داشت. همچنین تبصره‌ی پنجم ذیل ماده ۳۷ شیوه‌نامه‌ی پیشین (ماده ۳۸ شیوه‌نامه کنونی) که بیان می‌کرد «تجمعاتی که به صورت مسالمت آمیز و بدون ایراد خسارت به اموال دانشگاه، درگیری، توهین، هتاک یا اقدام جهت تعطیلی کلاس‌های آموزشی انجام پذیرد از شمول ماده فوق خارج است.» ماده‌ای با عنوان «اخلال، ایجاد وقفه یا مزاحمت برای برنامه‌های خوابگاه یا دانشگاه»، که اغلب دانشجویان دانشگاه فردوسی با استناد به همین ماده متخلف شناخته شده بودند. مواد دیگری نیز به شیوه‌نامه اضافه گشته که به نوعی یادآور «تسلیم به رأی» شدن در محاکمات قضایی است؛ به شیوه‌ای موادی (ماده ۹۱ و ۹۴) به شیوه‌نامه اضافه شده‌اند که با هر مرحله تجدیدنظرخواهی دانشجو، کمیته‌ی بررسی کننده درخواست می‌تواند حکم پیشین را تشدید کند. موادی نیز همچون ماده ۱۱۲ در شیوه‌نامه پیشین وجود داشت که اخذ نظر از مرکز مشاوره‌ی دانشگاه در مورد صدور احکام برای دانشجویان را الزامی می‌نمود، و نبود آن موجب اطالای رسیدگی به پرونده می‌گشت، اما در شیوه‌نامه‌ی جدید آن لزومات وجود ندارند. بر اساس همان شیوه‌نامه جدید، دیگر عضو دانشجو و هیئت علمی در ترکیب کمیته انضباطی حضور ندارند.



البته که بررسی آیین‌نامه‌ی دانشجویی خود فرصتی مجزا می‌طلبد و در ادامه روایتی از دانشجویان در این مراحل که در اختیار ما قرار گرفته است ذکر می‌گردد.

در روایت یکی از دانشجویان بیان می‌شود که: اصل هشتم شیوه‌نامه‌ی انضباطی که بر اتخاذ رویه‌ی واحد در برخورد با اتهامات مشابه تأکید می‌کند، اما مسئولین دانشگاه که غالب دانشجویان را بر طبق ماده‌ی ۳۷ شیوه‌نامه انضباطی متهم به ایجاد اخلال در نظم دانشگاه می‌کردند، با دانشجویان بسیجی که هر روز آنان نیز در دانشگاه تجمع کرده‌بودند برخوردی به شیوه‌ی آنان نکرده و به کمیته‌ی انضباطی احضار نشده‌اند.

## اساتید؛ کنش‌ها و سرکوب‌ها

اساتید دانشگاه فردوسی نیز در مقاطعی به حمایت از دانشجویان به شیوه‌های متفاوت پرداختند و آنان نیز از تیغ سرکوب مصون نماندند. در این بخش اشاره‌ای خواهیم کرد به کنش‌های اساتید از ابتدای قیام ژینا و سرکوب‌هایی که آنان در این راه تحمیل کردند.

با بازگشایی دانشگاه در ترم مهر ۱۴۰۱ پس از شعله‌ور گشتن قیام ژینا و پیوستن دانشجویان به این خیزش و آغاز دور جدیدی از جنبش دانشجویی، همانطور که پیشتر اشاره شد، دانشجویان دانشگاه فردوسی نیز به اعتصابات سراسری و تحریم کلاس‌های درس پیوستند؛ که این امر موجب خالی شدن اغلب کلاس‌های درس می‌شد. بخش اعظم اساتید هم‌دل با دانشجویان نیز به شیوه‌ای با شاگردان خود همراهی می‌کردند، به شیوه‌ای که ابتدا غیبت آنان را ثبت نکرده و یا کلاس را تشکیل نمی‌دادند. با ادامه‌ی این روند دانشگاه اما طریق دیگری را در پیش گرفت و به اساتید دستور داد تا کلاس‌ها در هر صورت تشکیل داده شوند و اسامی دانشجویان غایب را به آنان تحویل دهند. در همین راستا پیامکی با این محتوا به اساتید ارسال می‌شد که «استاد گرامی، خواهشمند است به برگزاری کلاس‌ها طبق روال عادی با هر تعداد دانشجو اقدام فرمایید». البته و پیش از این رویه نیز اساتیدی وجود داشتند که برای چند تن و حتی برای کلاس خالی مشغول به تدریس شده و کلاس را برگزار کرده و دانشجویان را در لیست غایبین قرار می‌دادند. همچنین اساتید و یا آموزش دانشکده‌ها دانشجویان را در صورت عدم حضور در کلاس‌ها و ادامه‌ی اعتصاب، به حذف در آن درس تهدید می‌کردند.

در روز ۱۵ مهر، ۵۱ تن از اساتید دانشگاه فردوسی با صدور بیانیه‌ای خواستار پایان دادن هرگونه خشونت و روی آوردن به صلح و آزادی بیان از جانب حکومت شدند و نگرانی خود را از وضعیت موجود آن هنگام ابراز کردند. همچنین بسیاری از اساتید فردوسی با امضاء «بیانیه‌ی جمعی از اساتید دانشگاه»، بازداشت دانشجویان را محکوم نموده و ضرورت آزادی هرچه سریعتر آنان را خواستار شدند.

همچنین با ابلاغ شیوه‌نامه‌ی جدید آیین‌نامه‌ی انضباطی دانشجویان توسط وزارتین علوم و بهداشت در آبان ماه ۱۴۰۱ در آستانه‌ی روز دانشجو، ۹۵ تن از اساتید دانشگاه فردوسی مشهد به مناسبت روز دانشجو و در اعتراض به شیوه‌نامه‌ی جدید، بیانیه‌ای منتشر کردند که در آن بیان می‌شود که شیوه‌نامه‌ی انضباطی جدید «در آستانه‌ی روز دانشجو، دانشجویان و استادان را متحیر ساخته است!» و «در آیین‌نامه‌ی جدید، همان اندک مواد قانونی حفظ حقوق دانشجویان نیز از میان برداشته شده و راه را برای برخوردهای سلیقه‌ای و مواجهه شدیدتر با اعتراضات دانشجویی باز گذاشته است»، و همچنین «شیوه‌نامه‌ی جدید برای مقابله با اعتراضات مسالمت آمیز دانشجویی،

عمدتاً بر برخوردها قهری متکی است؛ اعتراضاتی که در اصل ۲۷ قانون اساسی جزو حقوق حقه شهروندان محسوب شده است.»

پس از سرکوب‌های اعمال شده بر دانشجویان در تجمع و راهپیمایی اعتراضی ۱۶ آذر، نامه‌ای از جانب جمعی از اساتید در تاریخ ۱۹ آذر و در اعتراض به برخورد ناشایست با اعتراض مسالمت آمیز دانشجویان در "روز دانشجو" و ادامه‌ی دخالت نیروهای لباس شخصی و امنیتی و منتسج کردن فضای دانشگاه، با امضاء ۱۳۰ تن اساتید دانشگاه فردوسی در خطاب به رئیس این دانشگاه منتشر گردید. نامه‌ای که در آن بیان می‌شود «ما جمعی از استادان دانشگاه فردوسی مشهد اعلام می‌داریم که پاسدار حفظ حرمت دانشگاه و دانشجویان بوده و اجازه‌ی تعرض به استقلال دانشگاه به عنوان نماد خردورزی و عقلانیت جامعه را نخواهیم داد.» و مطالبات مشخصی را در ۸ بند و از جمله پاسخگویی در مورد وقایع روز ۱۶ آذر، درخواست برگزاری تجمع سکوت در روز ۲۱ آذر، منع ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه، توضیح وضعیت دانشجویان بازداشتی، شمار و انواع احکام انضباطی صادره برای دانشجویان و ابطال تمامی احکام و تغییر شیوه‌نامه‌ی انضباطی را به رئیس دانشگاه اعلام کردند.

چندی نمی‌گذرد که در صفحه‌ی شخصی یکی از اساتید که پای ثابت تمامی کنش‌های اساتید و همراهی‌های اساتید با دانشجویان بوده است، از خبر «قطع همکاری» دانشگاه با وی و چندی دیگر از اساتید دانشگاه فردوسی مطلع می‌شویم.

به این ترتیب ۱۲ تن از اساتید مدعو دانشگاه فردوسی مشهد، با اتهام آشکار ساختن هم‌دلی خود با دانشجویان شان و به جرم عمل به رسالت معلمی خود، از دانشگاه اخراج می‌شوند. ۶ تن از این اساتید در دانشکده‌ی ادبیات، ۴ تن در دانشکده‌ی حقوق، یک تن در دانشکده‌ی ریاضی و یک تن دیگر دیگر از اساتید در دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد مشغول به تدریس بوده‌اند.

در پی این سرکوب دانشگاه نسبت به اساتید، جمعی ۱۱۱ تنی از استادان دانشگاه فردوسی مشهد، نامه‌ای سرگشاده در اعتراض به قطع همکاری دانشگاه با تعدادی از استادان مدعو حامی دانشجویان معترض، خطاب به رئیس دانشگاه (دکتر احد ضابط) می‌نویسند. در بخشی از نامه اشاره می‌شود: «به‌عنوان یک خواسته‌ی صنفی انتظار داریم همکاران پیش گفته را بلافاصله به جایگاه تدریسی که سال‌ها بدان اشتغال داشته‌اند بازگردانید، از آنان دلجویی نمایید و اجازه ندهید اندیشه‌های بیگانه با روح دانشگاه و مروج منطق پادگانی در جامعه، بیش از این مجال جولان، فرصت سوزی و هزینه‌سازی پیدا نمایند.»

شرایط ایجاد شده برای اساتید در دانشگاه و فشار موجود بر آنان نه تنها به شیوه‌ی اخراج، بلکه حتی در مواردی به صورت خود خواسته اساتیدی را از دانشگاه جدا ساخته است. به شیوه‌ای که یکی از اساتید علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، با بیش از ۲۵۰ مقاله و کتاب و پس از ۲۵ سال تدریس در دانشگاه فردوسی، این دانشگاه را رها کرده و

اکنون در شرکت آمازون کانادا کارمند بخش بسته‌بندی کالا می‌باشد. از دست دادن چنین نیروهای متخصص و دانایی، جز یک فاجعه نمی‌تواند باشد.

بسیاری از اساتید در دوران قیام ساکت نبوده و در محل‌های مختلفی همچون کلاس درس، صفحات و کانال‌های شخصی اقدام به محکومیت، تحلیل و تحریر در مورد بسیاری از اتفاقات رخ داده در جامعه، دانشگاه‌ها و به ویژه دانشگاه فردوسی کرده‌اند.